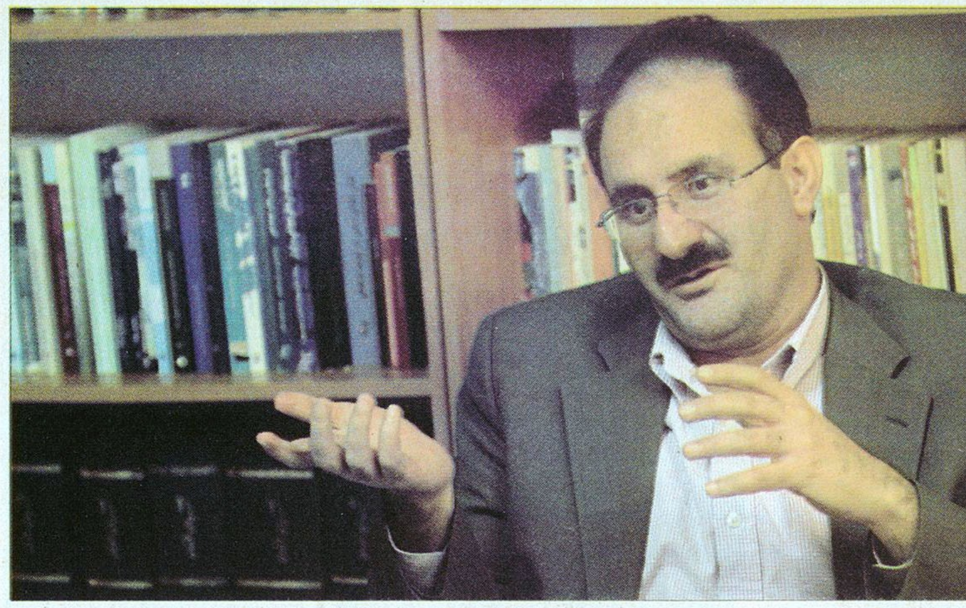

بخش نخست

جنسیت کارکنان و رشد بنگاه‌های صنعتی ایران

دکتر وحید محمودی*

اگرچه نقش و سهم زنان در بازار کار می‌تواند به شدت تحت تأثیر باورهای فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی قرار گیرد اما تقریبا در تمامی ادبیات توسعه نرخ مشارکت زنان به‌عنوان یکی از معیارهای اساسی تعیین سطح توسعه‌یافتگی تلقی می‌گردد. بر این اساس، اگر چه می‌توان جوامع را با توجه به میزان سهم زنان در بازار کار رتبه‌بندی نمود اما تمایزات عمده‌ای نیز از نظر میزان مشارکت زنان در بخش‌های اقتصادی قابل مشاهده است و به‌عنوان مثال تنها حدود ۷ درصد از نیروی کار بخش صنعت ایران توسط زنان اشتغال گردیده است. ادبیات این حوزه دلایل متفاوتی را برای توضیح سهم کمتر زنان در بخش‌های اقتصادی نسبت به مردان ارائه نموده و ادعا بر این است که عامل جنسیت به تنهایی می‌تواند به‌عنوان عاملی موثر بر عملکرد متفاوت بنگاه‌های اقتصادی تلقی گردد. عملکرد یک بنگاه اقتصادی با معیارهای متفاوتی قابل تعریف و اندازه گیری است و در این میان رشد بنگاه را می‌توان به‌عنوان معیاری اساسی در تعریف عملکرد بنگاه تلقی نمود. با پذیرش رشد بنگاه به‌عنوان معیار عملکرد آن، ادبیات اقتصادی دلایل متفاوتی را برای رشد بنگاه‌های موجود در فعالیت‌های اقتصادی تبیین نموده و در این میان صرفه‌های ناشی از مقیاس و در نتیجه دستیابی به اندازه بهینه صنعت از عمده‌ترین دلائل رشد در طول زمان تلقی می‌گردد. با این همه و علی‌رغم ادبیات مرسوم اقتصادی، شواهد موجود در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که بنگاه‌های اقتصادی خصوصا در بخش صنایع تولیدی به جای افزایش اندازه، کاهش آن را تجربه نموده و علاوه بر آن بنگاه‌های کوچک و متوسط نسبت به بنگاه‌های بزرگ رشدی سریع‌تر را از خود نشان داده و بر این اساس این بنگاه‌ها در سال‌های اخیر مورد توجه مضاعف قرار گرفته‌اند.

این مقاله می‌کوشد تا با تلفیق موارد فوق، تأثیر ترکیب جنسی نیروی انسانی بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران در برنامه دوم توسعه ج.ا.ا. (۱۳۷۸- ۱۳۷۴) را بر رشد آنها به‌عنوان یکی از معیارهای عملکرد با استفاده از داده‌های جمع آوری شده از طریق مرکز آمار ایران مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط طی این دوره تحت تأثیر ترکیب جنسی نیروی انسانی بنگاه‌های صنعتی نبوده است.

ادبیات اقتصادی دلایل متفاوتی را برای رشد بنگاه‌های موجود در فعالیت‌های اقتصادی تعیین نموده و در این میان صرفه‌های ناشی از مقیاس و در نتیجه دستیابی به اندازه بهینه حداقل از عمده‌ترین دلایل رشد بنگاه در طول زمان تلقی می‌گردد. با این وجود و علی رغم ادبیات مرسوم اقتصادی، شواهد موجود جهان خصوصا در دهه‌های اخیر نمایانگر واقعیاتی دیگرند. شواهد موجود نشان می‌دهند که بنگاه‌های اقتصادی، خصوصا در بخش صنایع تولیدی، به جای افزایش اندازه، کاهش آن را تجربه نموده‌اند. به‌عنوان نمونه متوسط تعداد شاغلین در بنگاه‌های تولیدی کشور هنگ کنگ از حدود ۲۴ نفر در سال ۱۹۷۲ به ۱۳ نفر در سال ۱۹۹۳ کاهش یافته‌اند. بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۴، متوسط تعداد شاغلین بنگاه‌های تولیدی صنعتی کشور تایوان حدود ۱۶/۵ درصد کاهش یافته است. در حالی که در سال ۱۹۹۱ تعداد کل واحدهای تولیدی کشور انگلستان که بیش از ۵۰۰ کارکن داشته‌اند تنها ۱۳۵۹ واحد بوده است. تعداد این بنگاه‌ها در سال ۱۹۷۲، ۲۷۱۰ واحد یعنی چیزی حدود دو برابر سال ۱۹۹۱ بود. (فیض پور، ۲۰۰۳)

علاوه بر واقعیات فوق، یافته‌های دیوید بریچ (۱۹۷۹) در آمریکا مبنی بر آنکه عمده اشتغال ایجاد شده در این کشور توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده و بنگاه‌های کوچک و متوسط از رشد سریع‌تری نسبت به بنگاه‌های بزرگ برخوردارند باورهای قبل و پذیرفته شده در حوزه علم اقتصاد را زیر سوال برد. این موضوع در کنار ادعای ارائه شده توسط جیبرت (۱۹۳۱) مبنی بر عدم تأثیر اندازه بنگاه بر رشد آن، زمینه بازنگری اساسی برای بازشناسی نقش اندازه بنگاه در رشد آن، خصوصا برای پاسخ به معضل بیکاری فراهم نمود و از این رو ادبیات اقتصادی و خصوصا اقتصاد صنعتی به بررسی مجدد مدل‌های رشد بنگاه و به عبارتی عوامل و دلایلی که برای رشد یک بنگاه اقتصادی قابل تصور است پرداخته و در این میان اندازه بنگاه را به عنوان اصلی‌ترین عامل مؤثر بر رشد مورد کنکاش مجدد قرار داده‌اند. موضوعی که همچنان به عنوان یکی از موضوعات اساسی در حیطه مباحث اقتصادی و سیاستگذاری، خصوصا در راستای دستیابی به حل معضل بیکاری بسیاری از کشورها، تلقی می‌شود.

علاوه بر نقش بنگاه بر رشد آن، در میان تمایزات متفاوت که بر اساس آن بنگاه‌های اقتصادی و در نتیجه بخش‌های اقتصادی از یکدیگر تفکیک می‌شوند بحث ترکیب و یا ساختار جنسیتی نیروی کار از اهمیت فراوانی برخوردار است. در حوزه مطالعات نیروی انسانی، این ساختار می‌تواند تعیین کننده مسائل مختلف سیاسی، نگرش‌های مذهبی، باورهای فرهنگی، سطح توسعه یافتگی و یا تلفیق همه آنها و در نتیجه نگاه یک جامعه به جایگاه و نقش جنسیت نیروی انسانی در اشتغال در بخش‌های اقتصادی باشد. بر این اساس می‌توان کشورهای جهان را با این نگاه، یعنی جایگاه جنسیت نیروی انسانی در اشتغال، طبقه بندی نمود. با این رویکرد، اگرچه بر اساس سهم اشتغال مردان و زنان در اقتصاد همه کشورها درجه‌ای از نابرابری به نفع مردان به چشم می‌خورد، اما در بسیاری از کشورها و در بین بخش‌های اقتصادی، گاهی این تفاوت‌ها به گونه‌ای متفاوتند که چشمپوشی از آنها به سادگی امکان پذیر نیست. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۰ در حالی که نرخ مشارکت زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله در بازار کار جهانی ۵۹/۲ درصد بوده است مردان با نرخ مشارکتی بیش از ۸۶/۱ درصد سهمی به مراتب بیشتر از زنان را به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه این تصویر در سال ۲۰۰۳ میلادی اندکی بهبود یافته است اما با این وجود تمایز نرخ مشارکت زنان و مردان در بازار کار بیش از ۲۴ درصد و به نفع مردان است (بانک جهانی، ۲۰۰۵).

در ایران مقایسه شاغلان مرد و زن طی سال‌های ۷۵-۱۳۴۵ نشان می‌دهد از مجموع ۷۱۱۶ هزار نفر شاغل سال ۱۳۴۵ تنها ۹۴۴ هزار نفر یا کمتر از ۱۳/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. این رقم در سال ۱۳۵۵ به حدود ۱۳/۸ افزایش یافته است در حالی که در سال ۱۳۶۵ به کمترین مقدار خود (کمتر از ۸/۵ درصد) طی این دوره رسیده است. اگر چه این میزان در دهه بعد یعنی سال ۱۳۷۵ با افزایش چشمگیری به حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است اما هنوز با تصویر سال ۱۳۵۵ فاصله‌ای اساسی داشته است. (وزارت تعاون، ۱۳۸۲). علاوه بر سهم اندک زنان در اشتغال نسبت به مردان، تفکیک جنسیتی اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی نیز قابل تأمل و حاوی نکات ارزشمندی است. به عنوان مثال، در سال ۱۳۷۵ زنان تنها کمتر از ۶ درصد از شاغلان صنعتی کشور را تشکیل داده‌اند. این رقم در سال ۱۳۸۲ برای بنگاه‌های صنعتی با بیش از ۱۰ نفر کارکن نیز تنها حدود ۸ درصد است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۳).

با آنچه گذشت می‌توان از یک سو به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد جهانی و از سویی به سهم اندک زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی و به خصوص بخش صنعت پی برد. با چنین تصویری، این سوال که آیا ترکیب جنسی کارکنان یک واحد صنعتی می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در عملکرد آن (و در اینجا رشد بنگاه) قلمداد گردد سوالی اساسی و ارزشمند است. موضوعی که تأکید این مقاله در پاسخ به آن قرار گرفته است.

این مقاله پس از معرفی مبانی نظری نابرابری‌های جنسیتی در بخش اول، به ضرورت انجام این پژوهش و اهداف آن در بخش دوم خواهد پرداخت. رشد بنگاه و عوامل مؤثر بر آن موضوع بخش سوم این مقاله خواهد بود و علاوه بر آن در این بخش مدل به کار گرفته شده جهت انجام این پژوهش نیز معرفی خواهد گردید. داده‌ها و روش‌های جمع آوری آن در بخش چهارم ارائه گردیده است و در نهایت بخش پنجم این مقاله نتیجه گیری است.

۱-مبانی نظری نابرابری‌های جنسیتی در بازار کار

عدم تعادل‌های موجود در بازار کار، چه در سطح جهانی و چه در داخل هر کشور، بیانگر تمایز و تفاوت اساسی میان سهم و شاید نقش متفاوت زنان و مردان در این بازار است، موضوعی که در ادبیات اقتصادی به عنوان نابرابری‌های جنسیتی در بازار کار تعبیر گردیده است (امینی، ۱۳۸۳). ادبیات اقتصادی سه نوع برابری جنسیتی و بنابراین سه نوع تفاوت را به عنوان اصلی‌ترین تئوری‌ها برای توجیه این نابرابری‌ها در بازار کار معرفی می‌نماید. این تئوری‌ها عبارتند از: تئوری نئوکلاسیک‌ها، تئوری تجزیه شدن بازار کار یا بازار کار دوگانه و تئوری جنسیتی.

اگرچه تأکید تئوری نئوکلاسیک‌ها به تبیین و توضیح دلایل تفاوت سطوح دستمزد پرداختی به زنان و مردان در بازار کار است اما از آنجا که سطح دستمزدها یکی از عمده‌ترین عوامل تعیین و تبیین مقدار عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار کار به حساب می‌آید می‌توان با این نظریه به تمایزات سطح اشتغال مردان و زنان در بازار کار را نیز توجیه نمود. بر اساس تئوری نئوکلاسیک‌ها، سطح دستمزدها در بازار کار و در شرایطی که این بازار تحت فروض بازار رقابتی عمل می‌نماید بر اساس ارزش نهایی عامل تولید (در اینجا نیروی کار) تعیین می‌گردد. به عبارتی می‌توان میزان دستمزد پرداختی را از طریق معادله تعیین نمود که در آن، سطح دستمزد و ارزش نهایی محصول تولید شده توسط نیروی کار است.

در نظریه نئوکلاسیک‌ها تفاوت‌های پرداختی به مردان و زنان، به عبارتی سطح دستمزدهایی که در بازار کار برای مردان و زنان در نظر گرفته می‌شود، ناشی از تبعیض میان نیروی کار به دلیل جنسیت تلقی نمی‌شود بلکه این تفاوت‌ها ناشی از تولید نهایی پایین‌تر زنان نسبت به مردان است. به عبارتی می‌توان این تفاوت را بدین صورت در نظر گرفت. جائی که نشان دهنده تولید نهایی نیروی کار، به شرطی که نیروی کار زن باشد و نشان دهنده تولید نهایی نیروی کار، به شرطی که نیروی کار مرد باشد، است. در ادبیات نئوکلاسیک دلایل متفاوتی برای توضیح پایین‌تر بودن سطح تولید نهایی نیروی کار زنان نسبت به مردان (که می‌توان آن را به نوعی به بهره‌وری پایین‌تر نیروی کار زنان نسبت به مردان نیز تعبیر نمود) وجود دارد. کمبود سرمایه انسانی، تبلور یافته در سطح آموزش، از عمده‌ترین دلایل کاستی تولید نهایی یا بهره‌وری کمتر نیروی کار زنان نسبت به مردان است. بر این اساس، تئوری کلاسیک‌ها را می‌توان با اندکی تأمل روی دیگر سکه نظریه توانمندسازی تلقی نمود، چرا که به عنوان مثال بر اساس این نظریه و نظریه فمنیست‌های لیبرال، یکی از اصلی‌ترین دلایل موقعیت‌های نامناسب زنان نسبت به مردان، سطوح پایین‌تر آموزش آنان است.

همان گونه که قبلا نیز اشاره گردید، اگرچه عمده مطالعات انجام شده و کاربرد تئوری نئوکلاسیک‌ها در تبیین تفاوت‌های سطح دستمزد میان مردان و زنان در بازار کار تأکید دارد اما می‌توان با کمی تأمل از این تئوری برای تبیین تفاوت سطح اشتغال مردان و زنان نیز در بازار کار کمک گرفت. این موضوع، خصوصا برای وقتی که بازار کار از انعطاف پذیری لازم برخوردار نباشد مصداق خواهد داشت. به عنوان مثال هنگامی که در اقتصاد سطح دستمزدها بر اساس قانون حداقل دستمزدها تعیین گردیده و در نتیجه انعطاف پذیری در بازار کار به حداقل برسد، در این صورت کارفرمایان مجبورند سطح دستمزدها را نه بر اساس سهم نیروی کار در تولید نهایی، بلکه بر اساس آنچه بازار به آنها دیکته می‌نماید تعیین نمایند. با پذیرش عدم انعطاف پذیری در بازار نیروی کار، تقاضا برای آن دسته از نیروی کار که سهم کمتری در تولید نهایی دارد (و به عبارتی دارای بهره‌وری پایین‌تری است) کاسته خواهد شد. با پذیرش بهره‌وری پایین‌تر زنان، خصوصا با توجه به سطح منابع انسانی به کار رفته در میزان آموزش آنان، تقاضا برای این گروه در بازار کار کاهش خواهد یافت.

اگر چه بر اساس تئوری نئوکلاسیک‌ها ارزش تولید نهایی نیروی کار عمده‌ترین عامل تعیین کننده سطح دستمزدها تلقی گردیده و این موضوع می‌تواند توجیه کننده تفاوت سطح اشتغال میان زنان و مردان باشد اما تئوری تجزیه بازار کار یا بازار کار دوگانه مشاغل را به دو دسته تقسیم می‌نماید. در حالی که دسته اول را مشاغلی با سطح دستمزدها و تأمین بالاتر، همچنین فرصت‌های بهتر پیشرفت تشکیل می‌دهد، مشاغل دسته دوم از سطح دستمزدها و تأمین کمتر، همچنین محدودیت امکان پیشرفت برخوردارند (مهر انگیز کار، ۱۳۷۹). در ادبیات بازار کار از این دو دسته مشاغل به عنوان مشاغل اولیه و ثانویه نیز تعبیر می‌شود. در حالی که در مشاغل اولیه ثبات در کار برای کارفرمایان اهمیت دارد احتمال به کارگیری مردان در این مشاغل بیش از زنان است (زیاری، ۱۳۸۲). با این وجود، تقسیم بندی مشاغل به دو نوع اولیه و ثانویه اگرچه در پاره‌ای از موارد با توجه به سطوح آموزش و منابع انسانی مورد نیاز قابل تبیین است اما می‌توان از مشاغلی نام برد که علی رغم اینکه از آنها به عنوان مشاغل مردانه یا ثانویه تعبیر می‌شود به هیچ یک از موارد مذکور نیاز ندارد. برخلاف تئوری نئوکلاسیک‌ها و بازار کار دوگانه که سعی می‌کند تمایزات جنسیتی در بازار کار را، نه بر اساس جنسیت افراد بلکه، بر اساس سایر ویژگی‌هایی مانند سطح بهره‌وری و نوع کار توجیه نماید، تئوری‌های جنسیتی با پذیرش عامل جنسیت به عنوان عامل تفکیک مشاغل و در نتیجه وجود تمایزات در بازار کار به تبیین این تفاوت‌ها می‌پردازد. به عبارتی نکته اصلی تئوری‌های جنسیتی این است که موفقیت زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزیی از یک سیستم کلی اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند. علاوه بر آن موضوع کلیدی در تئوری‌های جنسیتی اختصاص کارهای خانگی مانند مراقبت کودکان به زن‌هاست (مهر انگیز کار، ۱۳۷۹، ص ۲۴).

در مجموع و با توجه به تئوری‌های فوق می‌توان سهم اندک زنان را در مشارکت‌های رسمی اقتصادی با موانعی نیز تشریح نمود. موانع اقتصادی، مانند عدم تصاحب سرمایه کافی، (ایروانی، ۱۳۷۶)، عدم حق مالکیت زنان، فرصت‌های اندک برای اشتغال در بخش‌های رسمی و دستمزد کمتر نسبت به مردان (نظری، ۱۳۷۶)، موانع اجتماعی مانند پایین بودن سطح سواد زنان و در نتیجه وابستگی به مرد و ماندن وی در نقش‌های خانه‌داری، آداب و رسوم اجتماعی حاکم بر بعضی جوامع و در نتیجه روحیه انزواطلبی و قرار نگرفتن در فرآیند جامعه پذیری و ازدواج در سنین پایین (ایروانی، ۱۳۷۶)، موانع سیاسی مانند عدم واگذاری پست‌های کلیدی وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌ها به زنان (غلامرضایی، ۱۳۷۶)، موانع فرهنگی مانند بافت سنتی و پدرسالارانه خصوصا در جوامع روستایی، برداشت‌های غلط از مذهب، اعتقاد به پسر برتری و تلقی زن به عنوان جنس دوم (غلامرضایی، ۱۳۷۴) و موانع قانونی (بداغی، ۱۳۸۴) را می‌توان از عمده‌ترین این موانع در نظر گرفت، موانعی که سبب می‌شود در مجموع زنان در مقایسه با مردان از فرصت‌های اشتغال کمتری برخوردار باشند.

۲-مساله مورد بررسی

با همه تلاش‌هایی که در عرصه جهانی در زمینه بازشناسی و نگاه نو به جایگاه زنان در اقتصاد پدید آمده است، نقش و سهم آنان در بخش‌های مختلف اقتصادی از دیدگاه‌های مختلف و با توجه به معیارهای پذیرفته‌شده به مراتب کمتر از مردان است. این موضوع حتی برای کشورهایی که توجه به مسائل ویژه زنان در صدر برنامه‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی نیز قرار گرفته است صادق بوده و تقریبا هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که در آن زنان همپای مردان و با سهمی مساوی در اقتصاد ایفای نقش نموده باشند. با این وجود تفاوت‌های عمده‌ای در بین کشورها، در میان بخش‌های اقتصادی، همچنین در میان فرهنگ و مذاهب مختلف در راستای جایگاه و نقش زنان در اقتصاد وجود دارد.

در ایران، اگرچه قانون اساسی محدودیت ویژه‌ای را برای ایفای نقش زنان در اقتصاد قائل نگردیده و تقریبا زنان می‌توانند مانند مردان در عرصه‌های اقتصادی فعالیت نمایند، اما باورهای فرهنگی جامعه و واقعیت‌های موجود نشانگر تمایزات عمده‌ای میان جایگاه و نقش زنان در اقتصاد ایران است. به بیانی دیگر و به عنوان مثال نه تنها طبقه‌بندی مشاغل در ایران تحت تأثیر جنسیت قرار دارد بلکه در شرایطی که جنسیت بر نوع شغل تأثیری نداشته باشد زنان و مردان در شرایط نسبتا مساوی در شغلی یکسان از جهات مختلف قرار ندارند.

> اگرچه قانون اساسی محدودیت ویژه‌ای را برای ایفای نقش زنان در اقتصاد قائل، اما باورهای فرهنگی جامعه و واقعیت‌های موجود نشانگر تمایزات عمده‌ای میان جایگاه و نقش زنان در اقتصاد ایران است

این مقاله سعی دارد با استفاده از اطلاعات بنگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط طی برنامه دوم توسعه و با توجه به اهمیت روز افزون این بنگاه‌ها در اقتصاد، نتیجه روشنی را از معمای تأثیر جنسیت شاغلان بر رشد بنگاه ارائه نماید. دستیابی به چنین اطلاعاتی و در پی آن تحلیل تأثیر جنسیت کارکنان بر رشد بنگاه، دریچه تازه‌ای را به روی محققان این مبحث خواهد گشود. این موضوع برای کشوری مانند ایران با ویژگی‌های فرهنگی و درصد بسیار بالای بیکاری زنان بسیار حائز اهمیت است. اگر بتوان نشان داد که ترکیب جنسیت بر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی تأثیری ندارد، در این صورت می‌توان انتظار داشت که ظرفیت اشتغالزایی این بخش تحت تأثیر جنسیت نبوده و این بخش بتواند به اندازه مردان، برای زنان نیز ایجاد اشتغال نماید. همچنین از آنجا که در شرایط کنونی که سیاستگذاران اقتصادی و اجتماعی بر ایجاد اشتغال در بنگاه‌های کوچک و متوسط و افزایش سهم زنان در اشتغال و خصوصا اشتغال صنعتی تمرکز نموده‌اند این موضوع می‌تواند منشأ سیاست‌های جدید در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی باشد. بر این اساس این تحقیق می‌کوشد تا با تفکیک بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی به دو گروه، یعنی گروهی که اکثریت نیروی انسانی آن را مردان و گروهی که اکثریت نیروی انسانی آن را زنان تشکیل می‌دهد، پاسخی برای مسأله تأثیر ترکیب جنسیت نیروی انسانی بر رشد بنگاه‌های صنعتی پیدا نماید.

***عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران**

برداشت

نماینده ولی فقیه استان مرکزی در دیدار حزب اعتماد ملی اراک:

حکومت، گروه‌ها و احزاب به توده مردم توجه کنند

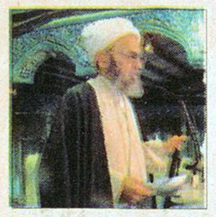

اعتمادملی: اعضای حزب اعتمادملی در اراک هفته پیش یک ساعتی از یک روز پاییزی را میهمان نماینده ولی فقیه در استانشان بودند. آنها به دیدار آیت ا... احمد محسنی گرکانی رفته بودند تا نظرات او را درباره مسائل سیاسی روز و انتخابات پیش رو جویا شوند. او نیز در این دیدار بیش از هر چیز از گروه‌های سیاسی درخواست کرد تا اختلافات را کنار بگذارند و برای آنکه بتوانند به موفقیت دست یابند به توده‌های مردم و دانشگاهیان رجوع کنند. آیت ا... احمد محسنی گرکانی در این دیدار قبل از هر سخنی با ذکر نکته‌ای از نهج البلاغه در تاکید امیرالمومنین مبنی بر محوریت داشتن قرآن، پیامبر و اهل بیت بعنوان محور وحدت افزود: نماز، روزه، حج و نماز جمعه از وظایف مسلمانان است اما مولا علی (ع) هم با حفظ این اساس‌های دین حکومت دینی بیان می‌دارد.

وی خاطرنشان کرد: حضرت امیرالمومنین (ع) نمی‌خواست مسلمانان را به این امور دینی محدود کند لکن می‌خواهد بگوید پیامبر (ص) محور سیاست، اخلاقیات، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع بوده و در بحث اداره حکومت اسلامی که خود حکومت دینی را اداره کرده است صرفاً دنبال مساله و احکام گفتن نبوده؛ ائمه هم در جریان حکومت کار سیاسی می‌کردند اما با محوریت دینی.

امام جمعه اراک با تاکید بر بلند کردن دیوار یقین حول محور آل محمد (ص) گفت: باید کاری کرد اعتماد و یقین مردم متزلزل نشود، حکومت اسلامی که مدعی اداره جهان است باید در تمام امور به مردم اعتماد دهد.

وی افزود: گاه ممکن است در جریان حاکمیت اختلاف سلیقه هم باشد اما در سال اتحاد ملی این اختلاف وسلایق گروه‌ها باید با اخوت و برادری مرتفع شود اگر پرچم اختلاف در جامعه دینی برافراشته شود فقط دشمن بهره می‌برد همان طور که در عراق شاهد هستیم که گروه‌ها با ایجاد روزنه اختلاف زمینه اشتغال آن کشور را فراهم کردند.

او با بیان اینکه درخت کرم دار، میوه‌اش کرم دار می‌شود تصریح کرد: اگر در جریان جامعه متحد بین گروه‌ها اختلاف باشد مانند همان درخت و میوه کرم خورده است لذا در آستانه انتخابات باید کاری کنیم دشمن از اختلاف ما سوءاستفاده نکند در انتخابات اشکال شرعی و قانونی پیش نیاید.

نماینده ولی فقیه توجه حکومت، گروه‌ها و احزاب را به توده‌ها یادآور شد و افزود: اگر شما می‌خواهید قدرت، حاکمیت، اتحاد و محبوبیت داشته باشید باید به توده‌ها رجوع کنید.

وی با توصیه مسوولان در برنامه ریزی نسبت به دانش آموزان و دانشجویان آنها را زیربنای حکومت در درازمدت بیان کرد و خاطرنشان کرد: اگر حاکمیت یکپارچه می‌خواهیم باید به آیندگان توجه کنیم و اگر به آینده انقلاب ایمان داریم باید بر روی دانشگاه‌ها کار کنیم.

به گزارش خبرنگار ایسنا منطقه مرکزی دبیر حزب اعتمادملی منطقه مرکزی در این دیدار با تشریح روند شکل گیری حزب اعتماد ملی در کشور و استان نخستین رویکرد این حزب را رویکرد پایبندی به وصایای امام (ره) برشمرد و گفت: شورآفرینی در انتخابات با مشارکت حداکثری در بین رویکرد اعتمادملی در وضعیت فعلی است و در ادامه گسترش دامنه فعالیت حزب در مرحله بعدی سیاستگذاری‌های ماست.

حجت الاسلام هاشمی با بیان اینکه برگزاری نشست‌های گروه‌ها و جناح‌های سیاسی با اهتمام نماینده ولی فقیه از بداخلاقی سیاسی و تخریب‌ها در آستانه انتخابات می‌کاهد، خاطرنشان کرد: امیدواریم با برگزاری نشست‌های مشترک زمینه انتخاب پرشور سیاسی فراهم شود تا دستاوردهای چنین نشست‌هایی برای کشور و مردم را شاهد باشیم. در ادامه این دیدار مسعود معصومی با انتقاد از فضایی که در آن چهره‌های انقلاب و یاران امام (ره) تخریب می‌شوند، گفت: متاسفانه در طول عمر دولت نهم شاهد روند تخریب‌هایی هستیم از نماینده ولی فقیه انتظار می‌رود با توجه به در اختیار داشتن تریبون گسترده نماز جمعه و جایگاه او نسبت به متوقف کردن این روند تخریبی تلاش کند. رئیس ستاد انتخابات حزب اعتماد ملی منطقه مرکزی دیدار اعضای حزب اعتماد ملی با نماینده ولی فقیه را جلسه وفاق خواند و افزود: انتظار می‌رود امام جمعه و نماینده ولی فقیه حول محور خود گروه‌ها را به اتحاد و وفاق دعوت کند. وی با اشاره به اعلام سال ۸۶ بعنوان سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی خاطرنشان کرد: شرایط تهدیدآمیز بین المللی می‌طلبد با رویکرد وحدت در عین کثرت که نیاز مبرم امروز کشور ماست با پرهیز از بداخلاقی‌های سیاسی زمینه انتخابات فعال و پررنگ با استقبال تمام گروه‌ها را فراهم کنیم. رئیس حزب اعتماد ملی شهرستان اراک هم با بیان اینکه حزب، کانال پیگیری مطالبات مردم از مسوولان است، تصریح کرد: اینکه شاهد تقابل برخی با احزاب و تخریب گرایی در کشور هستیم در حالی که اگر حزب در چارچوب قانون باشد باعث رشد کشور می‌شود اگر گروهی که بر مسند قدرت قرار می‌گیرند خود را مقید پاسخگویی به مطالبات بدانند دیگر خارج از حوزه کاری تخلف یا غیرمتقید به مسوولیت‌شان نخواهند بود. مهدی میقانی ادامه داد: ایران به‌عنوان جزیی از جامعه مدرنیته و جامعه رشد یافته دموکراتیک نیاز به احزاب دارد نه اینکه شاهد تقابل با حزب باشد، مسوولان کشور ما باید به این نقطه برسند که احزاب، کانال پیگیری مطالبات مردم و گروه‌ها از حاکمان است.

حجت الاسلام عبدالفتاح حسنی مسوول شاخه روحانیت اعتماد ملی منطقه مرکزی در ادامه این دیدار با بیان اینکه اخلاق مبنای حکومت است، گفت: اخلاق در جامعه و هر مجموعه‌ای به عنوان اساس مسوولیت و پاسخگویی و هدایت امانت انقلاب مطرح است همان طور که در جامعه علوی وسرخ تشیع و تمدن ایران و اسلامی و هم اساس اخلاق بوده است دولتمردان وحاکمان جمهوری اسلامی همه باید با وفاداری به این اصل در راس قدرت این نکته را رعایت کنند. وی با اشاره به اینکه اگر قرار است اصولگرایی باشد پایبندی به اخلاق رکن است و دراصلاح طلبی هم مبنا بر اصلاح بداخلاقی هاست، افزود: صداقت، امانتداری، وفای به عهد که پایه اخلاق است نباید با دروغ از سوی نمایندگان و گروه‌ها آمیخته شود تا زمینه تخلف و بی اعتمادی را درجامعه فراهم آورد و حزب اعتماد ملی با رعایت اخلاق مدنی و سیاسی و حزبی می‌خواهد الگوی صحیح اخلاقیات را به مردم ارائه کند. مسوول کمیته بانوان حزب اعتماد ملی منطقه مرکزی با بیان اینکه بانوان در این حزب، حضرت زینب کبری (س) را الگوی سیاست در جامعه اسلامی قرار داده‌اند، گفت: به اعتقاد ما جهان اسلام مدیون بزرگ زن تاریخ اسلام است که با تدبیر خود در اوج شجاعت توانسته اسلام را حفظ کند.

بهارک آقا بیگلویی با اشاره به تهاجمات رسانه‌های غربی از آغاز انقلاب تاکنون جامعه زنان را یکی از اهداف این رسانه‌ها دانست و افزود: مشارکت فعال جامعه زنان ایران در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نه تنها محدودیتی نداشته که دربرخی جنبه‌ها از جمله درعرصه فعالیت غربی بارز و پررنگ هم بوده است. در ادامه رئیس شاخه جوانان دانشجویان حزب اعتماد ملی منطقه مرکزی گفت: دانشجوی سیاسی به این معنا که یک دانشجوی متعهد، تنها نباید در محور مسائل فردی و شخصی خود متمرکز باشد و از رویدادهای جامعه و جهان غافل شده و به آن بی تفاوت باشد بلکه باید با اموال و مبانی منطقی و معقول به تحلیل حوادث و رویدادهای جهانی و داخلی بپردازد و موضع مناسب و قاطع اتخاذ کند و حساسیت لازم را دارا باشد آنگونه که حضرت امام (ره) همواره از دانشجویان و دانشگاهیان انتظار داشتند که همچون ناظری بصیر و آگاه، هوشمندانه و متعهدانه، عملکردها و تصمیم گیری‌ها را مدنظر گیرند و با نقادی دلسوزانه، خطا و لغزش احتمالی را گوشزد کنند و همچون مشاوران و کارشناسان امین، مساعدت خویش را از دست اندرکاران و مجریان امور دریغ نکنند.

وی تصریح کرد: سیاسی بودن دانشجو و مشارکت سیاسی دانشجویان با توجه به شاخص‌هایی چون جایگاه، نقش و کارکردهای مهم دانشجو در سطح نظام سیاسی و جامعه از یک سو و توجه به آموزه‌های اسلامی درباره ضرورت و ضوابط مشارکت سیاسی و بالاخره حدود و مقررات قانونی، تثبیت و لزوم آن اثبات می‌شود حد لازم سیاسی بودن به معنای حساسیت در برابر سرنوشت خود و جامعه خویش، داشتن بینش و تحلیل سیاسی پیرامون مسائل داخلی و خارجی و جریان‌های موجود و در مرحله بعد تلاش فکری و عملی برای بهبود و پیشرفت کشور از طریق فرآیندهای مختلف علمی، پژوهشی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است ازاین روست به اعتقاد ما افراط کاری سیاسی و یا انفعال و بی تفاوتی سیاسی مغایر حقوق، وظایف وجایگاه دانشجو بوده، با آموزه‌های اسلامی اصول نظام، منافع ملی، امنیت ملی، استقلال، توسعه و پیشرفت مادی و معنوی کشور در تضاد و ناسازگاری کامل است.

میرمحمدی ادامه داد: جوان و دانشجو نقاد، پرسشگر و آرمان خواه است و باید به آنان به دیده فرصت نگریست و نه تهدید، متاسفانه به دلیل برخی برخوردها و فضای منفی که درکشور وجود دارد وقتی از بسیاری از جوانان و دانشجویان برای عضویت در حزب دعوت می‌کنیم با ترس به آن نگاه می‌کنند و نگران آینده خود می‌شوند به اعتقاد ما در این فضای بی هویتی جوانان که مطرح است و تهاجم شدید فرهنگ غرب، این جوانانی که می‌آیند در احزاب و تشکل‌های سیاسی و دانشجویی فعالیت می‌کنند و سرنوشت کشور برایشان مهم است مسوولان باید آنان را امری ممدوح بدانند و نه مذموم و بسترهای لازم را برای فعالیت آنان مهیا کنید بدون هیچگونه دغدغه و نگرانی از آینده خود.

وی در پایان افزود: جوانان سرمایه‌های گرانسنگ جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آیند و با الهام از تفکر معمار کبیر انقلاب اسلامی در بها دادن به جوانان زیبنده رهروان آن بزرگمرد است که براختصاص دادن فضای سیاسی به جوانان به دور از مرزبندی‌های رایج خودی و غیرخودی توجه ویژه‌ای بنمایند، در این راستا شاخه جوانان و دانشجویان حزب اعتماد ملی متشکل است از جوانان مومن، متعهد و معتقد به مبانی نظام جمهوری اسلامی و علاقه‌مند به آرمان‌های امام راحل که در چارچوب نظام و قانون اساسی جمهوری اسلامی به فعالیت خواهند پرداخت. در پایان این دیدار نماز جماعت مغرب و عشا به امامت نماینده ولی فقیه اقامه شد.

عکس: حجت سپهوند / اعتمادملی

جنسیت کارکنان و رشد بنگاه‌های صنعتی ایران

وحید محمودی*

بخش نخست این مقاله پنجشنبه هفته گذشته منتشر شد. اینک بخش دوم و پایانی آن پیش روی شماست.

۳- رشد بنگاه و روش‌های اندازه‌گیری آن

از نیمه دوم دهه هفتاد، بنگاه‌های کوچک و متوسط به صورت فزاینده‌ای مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی و مراکز دانشگاهی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفته‌اند. هدف اصلی از این رویکرد جدید که تا حدودی بر خلاف یافته‌های قبلی علم اقتصاد خصوصا در بحث صرفه‌های ناشی از مقیاس است ارائه راهکاری مناسب جهت کاهش سطح بالا و رو به رشد بیکاری در هر دو این کشورها (توسعه یافته و در حال توسعه) است. اعتقاد بر این است که بنگاه‌های بزرگ خصوصا در کشورهای کمتر توسعه یافته قادر به ایجاد شغل کافی برای جمعیتی که سریعا در حال افزایش است نیست. این موضوع باعث گردیده که نقش اساسی بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد جوامع مورد ارزیابی و توجه مجدد قرار گیرد. علاوه بر آن، در سال‌های اخیر بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل انعطاف پذیری، خلاقیت و نوآوری بیشتر مورد توجه مضاعف قرار گرفته‌اند. بر این اساس و با توجه به جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد، این حقیقت که بعضی از بنگاه‌ها از رشد سریع‌تری نسبت به بنگاه‌های دیگر برخوردارند دارای اهمیت فراوانی بوده و در نتیجه این بنگاه‌ها همواره مورد علاقه و توجه سیاستگذاران و مراکز علمی، پژوهشی و اقتصادی قرار گرفته‌اند. با این وجود سوالی که بلافاصله به ذهن متبادر می‌شود آن است که منظور از رشد چیست و رشد چگونه اندازه گیری می‌شود؟

علی رغم معرفی متغیرهای متفاوت (چون میزان فروش، ارزش افزوده و میزان دارایی‌ها) به عنوان معیار رشد، در کشورهایی که بیکاری به عنوان معضل اصلی اجتماع تلقی می‌شود، سطح اشتغال یا تعداد کارکنان به عنوان واحد اندازه گیری رشد از اهمیت بیشتری برخوردار است. این موضوع برای کشور ایران که بیکاری همچنان به عنوان مشکل اول جامعه تلقی می‌گردد نیز کاملا مصداق دارد. بر این اساس در این پژوهش معیار اندازه گیری رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی اشتغال در سطح بنگاه تولیدی است. روش‌های متفاوتی نیز برای اندازه گیری رشد وجود دارد که در اینجا از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

۴- داده‌ها و توصیف آن

اگرچه داده‌های مربوط به بنگاه‌های بزرگ صنعتی (که طبق تعریف مرکز آمار ایران به بنگاه‌هایی که دارای حداقل ۱۰ نفر کارکن باشند اطلاق می‌شود) توسط مرکز آمار ایران جمع آوری گردیده است اما دستیابی به این داده‌ها در سطح بنگاه تولیدی بنا به دلایل متفاوت دشوار و در بعضی موارد غیرممکن است. برای انجام این پژوهش از داده‌های جمع آوری شده از بنگاه‌های تولیدی در بخش صنعت که در سال اول برنامه پنج ساله دوم (سال ۱۳۷۴) کمتر از ۵۰۰ کارکن داشته‌اند استفاده شده است. اگرچه تعاریف متعددی از بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه گردیده است اما از آنجا که در ایران معیار کمتر از ۵۰ نفر کارکن برای تعریف این بنگاه‌ها استفاده شده است تأکید این پژوهش نیز بر این معیار است. این معیار در اکثر کشورهای در حال توسعه نیز برای تحلیل بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد استفاده قرار گرفته است (Mead, 1994).

داده‌های جمع آوری شده از بنگاه‌های تولیدی توسط مرکز آمار ایران شامل متغیرهای مناسب جهت تحلیل‌های اقتصادی است و دستیابی به این داده‌ها قدم بزرگی در راه انجام پژوهش‌های صنعتی است. به عنوان مثال بررسی و تحلیل تأثیر ترکیب جنسی نیروی انسانی بر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط که هدف اصلی این مقاله است بدون دستیابی به چنین داده‌هایی مقدور نیست. با استفاده از این داده‌ها می‌توان بنگاه‌های کوچک و متوسط را به دو گروه، گروهی که اکثریت نیروی انسانی آن را مردان و گروهی که اکثریت نیروی انسانی آن را زنان تشکیل می‌دهند، تقسیم نمود.

با این شرایط داده‌های موجود دارای نواقص عمده‌ای است که تحلیل‌ها را تا حدی با مشکل مواجه می‌سازد. به عنوان مثال علی رغم این که بیش از ۹۵ درصد از بنگاه‌های صنعتی ایران کمتر از ۱۰ نفر کارکن داشته و ۴۵ درصد از اشتغال بخش صنعت در این گروه قرار گرفته است، داده‌های موجود تنها شامل تعداد بسیار کمی (حدود ۲۰۰۰) از این بنگاه‌ها می‌شود. عدم دسترسی به داده‌های بنگاه‌هایی که بیش از ۵۰۰ نفر کارکن دارند از دیگر معایب داده‌های موجود است. بر این اساس نمی‌توان درباره بنگاه‌هایی که در سال‌های متفاوت از فهرست بنگاه‌های صنعتی خارج شده‌اند قضاوت صحیحی ارائه داد، زیرا با داده‌های موجود نمی‌توان مشخص نمود که بنگاه‌های خارج شده واقعا به هر دلیل بسته شده یا آنکه رشد نموده و در سال مورد نظر بیش از ۵۰۰ نفر کارکن داشته‌اند. در مجموع از بین ۱۲۷۱۲ بنگاه صنعتی که داده‌های آنها در سال اول برنامه توسعه دوم در دسترس بوده است، ۱۰۷۵۰ بنگاه با داشتن کمتر از ۵۰ نفر کارکن به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی گردیده است. از سوی دیگر و با توجه به آنکه در سال پایان برنامه دوم توسعه تنها داده‌های بنگاه‌هایی با حداقل ۱۰ نفر کارکن جمع آوری گردیده (که این نیز از دیگر معایب داده‌های جمع آوری شده توسط مرکز آمار ایران محسوب می‌گردد) است، از این رو جهت افزایش اطمینان از صحت تحلیل‌های رشد و با توجه به معیار Birch تنها می‌توان بنگاه‌هایی را به حداقل ۹ نفر کارکن (و حداکثر ۵۰ نفر با توجه به تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط) در محاسبات در نظر گرفت. بر این اساس، تعداد بنگاه‌های مورد مطالعه با ویژگی‌های فوق در سال شروع برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴) به ۹۲۷۰ بنگاه (۴۸۲ بنگاه با ۹ نفر کارکن و ۸۷۸۸ بنگاه با ۱۰ تا ۴۹ نفر کارکن) کاهش یافته که از این تعداد ۳۰۶۵ بنگاه (حدود ۳۳ درصد) بر اساس معیار Birch طی دوره مورد بررسی رشدی را نشان داده‌اند. این گروه هدف اصلی این پژوهش بوده و از میان عوامل متعدد ممکن مؤثر بر رشد آنها، جنسیت کارکنان با توجه به هدف این مقاله به عنوان متغیر اصلی تلقی می‌شود. بررسی وضعیت سایر بنگاه‌های مورد مطالعه طی دوره مذکور نیز حائز کمال اهمیت بوده و از این رو در جدول شماره ۱ مورد تفکیک قرار گرفته است. همان گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد از مجموع ۶۲۰۵ بنگاهی که طی دوره مورد بررسی فاقد رشد بوده‌اند اندازه حدود ۱۹ درصد از بنگاه‌های طی دوره مذکور (۱۷۴۴ بنگاه) بر حسب تعداد شاغلان کاهش یافته است. موضوع کاهش اندازه بنگاه، به عنوان یکی از عوامل نابودی شغل از موضوعات اساسی قابل پژوهش، خصوصا برای کشوری مانند ایران است که ایجاد اشتغال در آن موضوعی حیاتی تلقی می‌گردد. علاوه بر آن، جدول شماره ۱ نمایانگر آن است که بیش از ۴۴ درصد از بنگاه‌های مورد بررسی طی دوره مذکور در سال پایان دوره از حیث فعالیت اقتصادی متوقف گردیده، خارج شده یا کاهش یافته‌اند. بررسی دلایل توقف یا خروج بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی طی یک برنامه پنج ساله نیز موضوعی بسیار مهم است که می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر قرار گیرد.

علاوه بر رشد بنگاه به طور کلی و از آنجا که هدف اصلی این مقاله به بررسی تأثیر ترکیب جنسیت کارکنان بنگاه بر رشد آن قرار گرفته است، وضعیت رشد بنگاه‌های مورد بررسی به تفکیک وضعیت رشد و ترکیب جنسیت کارکنان در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است. جدول ۲ نشان می‌دهد که از مجموع ۹۲۷۰ بنگاه، در ۸۸۸۰ مورد، تعداد کارکنان مرد بیش از زنان بوده و تنها در ۴/۲ درصد از بنگاه‌های کوچک و متوسط مورد بررسی تعداد زنان بیش از مردان است.

۶-نتایج

همان گونه که قبلا نیز اشاره گردید در مطالعات متعدد رشد بنگاه، عوامل مؤثر بر رشد به دو دسته کلی ویژگی‌های بنگاه اقتصادی و ویژگی‌های صنعت قابل تقسیم است. علاوه بر آن می‌توان ویژگی‌ها و متغیرهای مربوط به بنگاه اقتصادی را نیز به دو دسته تقسیم نمود. ادبیات اقتصادی این دو دسته را به صورت متغیرهای مربوط به نیروی انسانی و متغیرهای مربوط به مخارج بنگاه اقتصادی تقسیم می‌نماید. بر این اساس جنسیت کارکنان یک واحد صنعتی را می‌توان از ویژگی‌های نیروی انسانی آن قلمداد نمود. با چنین تصویری بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی را می‌توان به دو دسته بنگاه‌های صنعتی با تعداد کارکنان مرد بیشتر از زن و بنگاه‌های صنعتی با تعداد کارکنان زن بیشتر از مرد در سال ابتدای دوره بررسی تقسیم نمود. از طرفی اگرچه رشد بنگاه با روش‌های متفاوتی قابل محاسبه است اما روش Birch از مناسب‌ترین روش‌های اندازه گیری رشد بنگاه تلقی می‌شود.

اگرچه نتایج به دست آمده از نظر تحلیل رشد بنگاه دارای اهمیت فراوانی است اما نتایج به دست آمده از نظر مباحث اقتصادسنجی قابل تردید است. علت موضوع نیز بدان دلیل است که در محاسبه رشد تنها بنگاه‌هایی می‌توانند مطمح نظر قرار گیرند که توانسته باشند در طول سال‌های مورد بررسی در فعالیت اقتصادی فعالیت نمایند. بر این اساس کلیه بنگاه‌هایی که به هر دلیل در طول این دوره از فعالیت خارج شده‌اند امکان قابلیت حضور در محاسبه رشد را نخواهند داشت. این موضوع نیز باعث به وجود آمدن پدیده‌ای می‌گردد که از آن به عنوان تورش در انتخاب نمونه یاد می‌شود. در مباحث اقتصادی روش‌های متفاوتی مانند روش دو مرحله‌ای هکمن برای تصحیح چنین تورشی وجود دارد. انجام تصحیح برای جلوگیری از تورش مذکور با استفاده از نرم افزار Stata قابل انجام است. این مورد در تخمین رشد بنگاه مد نظر قرار گرفته است. نتایج به دست آمده پس از تصحیح هکمن نمایانگر آن است که نمی‌توان تفاوت عمده‌ای را در رشد بنگاه بر اساس ترکیب جنسی کارکنان مشاهده نمود. بر این اساس، تأثیر ترکیب جنسی کارکنان بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران طی برنامه دوم توسعه بر رشد بنگاه از نظر آماری معنی دار تلقی نمی‌شود.

رشد بنگاه نه تنها می‌تواند تحت تأثیر ترکیب جنسیت کارکنان قرار گیرد، بلکه می‌تواند از صنعتی به صنعت دیگر تغییر یافته و بنابراین نوع صنعت می‌تواند بر رشد آن مؤثر باشد. صنایع تولیدی ایران در ۲۳ گروه که به کدهای دو رقمی ISIC مشهورند تقسیم بندی شده‌اند. برای بررسی تأثیر نوع صنعت بر رشد بنگاه به تفکیک جنسیت متغیرهای مجازی D15 تا D37 و بر اساس مدل شماره ۵ در نظر گرفته شده و نتایج حاصله در جدول شماره ۵ منعکس گردیده است. لازم به یادآوری است که از آنجا که تنها یک بنگاه در صنعت شماره ۱۶ (تولید محصولات از توتون و تنباکو) طی برنامه دوم توسعه فعال بوده و نیز تعداد بنگاه‌های صنعت شماره ۳۷ (بازیافت) بسیار اندک است. این دو صنعت از محاسبات کنار گذاشته شده‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد با در نظر گرفتن متغیرهای مجازی نوع صنعت، رشد بنگاه مجددا تحت تأثیر جنسیت کارکنان قرار ندارند.

جدول شماره ۱: وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران از نظر رشد بر اساس معیار Birch طی برنامه دوم توسعه

وضعیت بنگاه طی برنامه دوم توسعه	تعداد	درصد
عدم رشد با BI	۶۲۰۵	۶۶/۹
کاهش یافته (اما با بیش از ۱۰ نفر کارکن در پایان دوره)	۱۷۴۴	۱۸/۸
متوقفه خارج شده یا کوچک شده (با کمتر از ۱۰ نفر کارکن در پایان دوره)	۴۱۰۷	۴۴/۳
ثابت مانده	۳۵۴	۳/۸
رشد با BI	۳۰۶۵	۳۳/۱
جمع	۹۲۷۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول شماره ۲: توزیع رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران به تفکیک جنسیت کارکنان طی برنامه دوم توسعه

وضعیت بنگاه‌ها	مرد بیشتر		زن بیشتر		مرد و زن برابر		جمع کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
عدم رشد	۵۹۲۶	۶۶/۷۳	۲۴۶	۷۲/۱۴	۳۳	۶۷/۳۵	۶۲۰۵	۹۴/۶۶
رشد	۲۹۵۴	۳۳/۲۷	۹۵	۲۷/۸۶	۱۶	۳۲/۶۵	۳۰۶۵	۳۳/۰۶
جمع	۸۸۸۰	۱۰۰۰۰	۳۴۱	۱۰۰۰۰	۴۹	۱۰۰۰۰	۹۲۷۰	۱۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- نتیجه گیری

بحران بیکاری را می‌توان از عمده‌ترین مسائل پیش روی کشورهای مختلف جهان خصوصا کشورهای در حال توسعه قلمداد نمود و بر این اساس شناخت و معرفی عواملی که بتواند در کاهش این بحران کمک نماید می‌تواند از اهمیت به سزایی برخوردار باشد. در ادبیات اقتصادی بیکاری می‌تواند از چهار طریق تحت تأثیر قرار گیرد:

۱-ایجاد بنگاه‌های جدید در فعالیت‌های اقتصادی
۲-خروج بنگاه‌های موجود از فعالیت‌های اقتصادی
۳-رشد بنگاه‌های موجود
۴-کاهش اندازه بنگاه‌های موجود

در حالی که می‌توان از ایجاد بنگاه‌های جدید و رشد بنگاه‌های موجود به عنوان روش‌های گسترش اشتغال و احتمالا کاهش بیکاری یاد نمود خروج بنگاه‌های موجود و کاهش اندازه آنها را می‌توان به عنوان عواملی با تأثیر منفی بر ایجاد اشتغال و در نتیجه گسترش حجم و نرخ بیکاری به حساب آورد.

از میان دو روش ایجاد بنگاه‌های جدید در فعالیت‌های اقتصادی و رشد بنگاه‌های موجود، رشد بنگاه‌های موجود از اهمیت بیشتری برخوردار است. چه در بسیاری از موارد، زمان مورد نیاز برای رشد بنگاهی که در حال فعالیت اقتصادی است نسبت به بنگاهی که می‌خواهد وارد عرصه فعالیت اقتصادی گردد کوتاه‌تر است. علاوه بر آن در موارد بسیار متعدد می‌توان ادعا نمود یک بنگاه موفق و فعال در عرصه فعالیت اقتصادی مراحل متعددی مانند بازاریابی را پشت سر گذارده و بر این اساس می‌تواند از زمینه‌های مناسب‌تری نسبت به بنگاه‌های جدیدالتأسیس برخوردار باشد. با پذیرش اهمیت رشد بنگاه‌های موجود، سوال اساسی آن است که عوامل مؤثر بر رشد یک بنگاه اقتصادی چیست؟ با شناخت این عوامل می‌توان با تقویت عوامل تأثیرگذار مثبت رشد بنگاه را افزایش و با شناخت عوامل تأثیرگذار منفی و حذف آنها زمینه‌های رشد و افزایش آن را فراهم نمود.

نتایج این مقاله که با هدف بررسی تأثیر جنسیت کارکنان بر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی طی برنامه دوم توسعه طراحی گردیده است نشان دهنده آن است که ترکیب جنسی کارکنان بر رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط صنایع تولیدی ایران تأثیری نداشته و به عبارتی جنسیت کارکنان بنگاه به عنوان مانعی در جهت رشد آنها تلقی نمی‌گردد.

***عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی**

پی نوشت:

این پژوهش با همکاری دکتر محمد علی فیض پور، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد انجام گرفته است.

به عنوان مثال بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار را ندارند (بدون در نظر گرفتن جنسیت افراد) اذعان دارد.

تقریبا در تمامی سال‌هایی که در آنها نرخ بیکاری به تفکیک جنسیت برآورد گردیده است تمایزات عمده‌ای میان نرخ بیکاری زنان و مردان قابل مشاهده است. به عنوان مثال طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵ در تمامی سال‌ها نرخ بیکاری زنان به مراتب بیش از نرخ بیکاری مردان بوده و حتی در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نرخ بیکاری زنان بیش از ۲ برابر نرخ بیکاری مردان است.

تقریبا در تمامی سال‌هایی که در آنها نرخ بیکاری به تفکیک جنسیت برآورد گردیده است تمایزات عمده‌ای میان نرخ بیکاری زنان و مردان قابل مشاهده است.

یادداشت

رضا حجتی در مراسم گرامیداشت ۱۳ آبان مطرح کرد:

باید روحیه خودباوری را در دانش آموزان تقویت کنیم

اعتماد ملی: روز ۱۳ آبان، جشن دانش آموزی با سخنرانی رضا حجتی عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در دفتر حزب در استان خراسان رضوی برگزار شد. رضا حجتی در این مراسم ضمن تبریک روز دانش آموز و همچنین رساندن پیام کروبی و تشکر از آقای جوادی حصار و حاضران در جلسه گفت: مساله‌ای که دانش آموزان امروز از آن دور شده‌اند روحیه اعتماد به نفس و خودباوری است که در سال ۵۷ حرکتی اعتراضی و خودجوش به دنبال داشت، امری که متاسفانه امروز کمتر شاهد آن هستیم.

وی اظهار داشت: در اندیشه ورزی باید تندرو و بلندپرواز بود و برای ساختن فردایی بهتر باید آرمان‌های بزرگ داشت زیرا کسانی که آرمان‌های متعالی ندارند به مرور در منجلاب روابط سطح پایین جامعه خود دفن می‌شوند.

حجتی با گرامیداشت یاد و خاطره ۵۶ شهید و صدها مجروح واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۷، جانفشانی دانش آموزان و دانشجویان در آن زمان را ناشی از اعتماد متقابل رهبری و مردم دانست که پایه‌های رژیم استبدادی شاهنشاهی را به لرزه درآورد و صدای آزادیخواهی و استقلال طلبی مردم ایران را به گوش جهانیان رسانید.

قائم مقام دفتر سیاسی حزب اعتماد ملی گفت: امام (ره) به جوانان اعتماد می‌کرد و این تنها یک شعار نبود بلکه به عمل می‌نشست و نتایج بزرگی به بار می‌آورد. اما به تدریج برخی از مسوولان در نظام جمهوری اسلامی تعریف و تمجید از جوانان را دستمایه استفاده ابزاری و بهره کشی‌های سطح پایین از آنها کردند که اگر به عنوان یک آسیب بدان توجه نشود در آینده خسارات جبران ناپذیری به بار خواهد آورد. این نگاه باعث شده روحیه اعتماد به نفس و خودباوری که دانش آموزان و دانشجویان را در دهه ۶۰ به صورت موتور محرک و بدنه فعال انقلاب درآورده بود، کاهش یابد. وی گفت: در صورتی که به این نیاز تعالی بخش، یعنی باور کردن نوجوانان و جوانان احترام نگذاریم میان نسل‌های فردا با نسل امروز و گذشته افتراق و گسست به وجود خواهد آمد که علاوه بر تباهی و ویرانی نسلی به کشور و نظام هم صدمات زیادی وارد خواهد شد.

وی گفت: نوجوانان و جوانان بیش و پیش از نیازهای اولیه زیستی به احترام، عزت و باور داشتن شخصیت‌شان توجه دارند و این ویژگی نسبی نباید نادیده انگاشته شود. در مقطع نوجوانی و جوانی است که پایه‌های شخصیت اجتماعی انسان شکل می‌گیرد و برنامه ریزان کلان نباید خواسته‌های این نسل را به غذا، پوشاک و... که در جای خود بسیار لازم هم هستند، فروبکاهند.

حجتی دانش آموزان و نوجوانان را نیز به پاسخگویی به این نیازهای متعالی دعوت کرد و گفت: نوجوانان و جوانان باید آرمان‌های بزرگ در سر داشته باشند زیرا زندگی در دنیای بدون افق‌های بلند به بی انگیزگی و غرق شدن در منجلاب روابط سطح پایین اجتماعی خواهد انجامید. وی قدر جوانی را به سوالات بزرگی که در این دوره از زندگی شکل می‌گیرد دانست و گفت: بایستی بتوانیم سوالات بزرگ و مسائل پیرامونمان را به درستی و به دور از افراط و تفریط بشناسیم، تدوین کنیم و سپس آنها را با دیگران در میان بگذاریم تا از دل گفت و گوهای ما راه‌حل‌هایی که اداره بهتر فردای جامعه ما را تامین می‌کند، تراوش نماید.

عضو هیأت مؤسس حزب اعتمادملی دوران جوانی را به علت بهره‌مندی از یکرنگی، صداقت و انرژی بالای جسمی یک فرصت بی نظیر برای خودسازی که مقدمه ساختن جامعه در دوران میانسالی است، دانست و گفت تامین آن منوط به وجود بسترها و زیرساخت‌هایی است که دولت موظف به ایجاد آن است.

حجتی گفت: حکومت‌ها باید با نظارت مدبرانه که نه رهاسازی کامل نسل جوان و نه مداخله بی حد و حصر و کنترل و نظارت حداکثری آنان است، تمام همت خود را به بسترسازی برای شکوفایی استعدادهای نسل آینده متمرکز نمایند و حداکثر آزادی‌های مشروع و قانونی را برای تحرک و تنوع بخشیدن به محیط زیست آینده سازان فراهم کنند.

حجتی گفت: انتظار و توقع این است که دانش آموزان و دانشجویان بدون آگاهی از مواضع و عملکرد افراد و گروه‌ها از آنها پیروی نکنند و در دام تعصب‌های کورکورانه گرفتار نشوند که تحقق آن جز با مطالعه، ژرف اندیشی و طرح سوالات جدی و انتظار دریافت جواب‌های قانع کننده میسر نیست.

حجتی در پایان ضمن تبریک به اعضای شورای مرکزی حزب اعتماد ملی در منطقه خراسان به خاطر بهره‌مندی از نیروی پرتوان جوانان، راه‌اندازی اولین شاخه دانش آموزی حزب در خراسان رضوی را به آنها تبریک گفت و ادامه داد: امیدواریم نتیجه تلاش‌های نظری و عملی این مجموعه در آینده نزدیک به عنوان یک الگو در سطح ملی قابل طرح و عرضه باشد.

در ادامه، مسوول شاخه جوانان حزب اعتماد ملی خراسان از تشکیل کمیته دانش آموزی حزب خبر داد و گفت: این کمیته برای اولین بار در مشهد آغاز به کار کرده و در آینده در سراسر کشور نیز تشکیل خواهد شد.

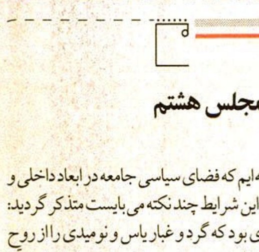

سیدمحمد زین الدین برنامه‌های این کمیته را برگزاری کلاس‌های روانشناسی و درک شخصیت، کلاس‌های کمک درسی و تشکیل کارگروه در امور صنفی و همچنین بحث پیرامون مسائل دانش آموزان مطرح کرد.

همچنین در این مراسم پیام دبیرکل حزب اعتماد ملی به مناسبت تشکیل کمیته دانش آموزی قرائت شد. در قسمت‌هایی از این پیام آمده است: دانش آموزان عزیز، گرامیداشت روز شما که با وقایع تاریخی سرنوشت سازی همچون تبعید امام به ترکیه و روز ملی مبارزه با استکبار پیوند خورده است به هیچ روی گرامیداشت یک واقعه تاریخی نیست بلکه هدف از آن پاسداشت توانمندی‌های نسلی است که فردا را می‌سازد. در این راستا آنچه اهمیت دارد ایمان به خدا، اعتماد به نفس و خلاقیت در نوسازی جامعه است که همه آحاد آن بیشترین امید را به آینده داشته باشند و در پرتو آن به سازندگی و توسعه میهن اسلامی بپردازند.

یادداشت

اصلاح طلبان و انتخابات مجلس هشتم

محمد برون

در شرایطی در آستانه انتخابات مجلس هشتم قرار گرفته‌ایم که فضای سیاسی جامعه در ابعاد داخلی و خارجی شکل منحصر به فردی به خود گرفته است. در این شرایط چند نکته می‌بایست متذکر گردید:

۱-روی کار آمدن دولت اصلاحات در ۲ خرداد ۷۶ طلیعه امیدی بود که گرد و غبار یاس و نومیدی را از روح و جان جامعه زدوده بود و چشم‌ها را به سوی آینده‌ای روشن و پرتلالو خیره ساخته بود که حدیث سرنوشت آن بر کسی پوشیده نیست. هم مانع تراشی رقیب و هم پاره‌ای اشتباهات عزیزان اصلاح طلب که بعضا با روش‌هایی غیرمتعارف و از روی کم تجربگی به دست رقیب بهانه دادند دست به دست هم داد و پایان اصلاحات را با خاطرات نه چندان زیبا رقم زد. ۲-تجربه هشت ساله دولت اصلاحات و مجلس ششم اکنون پیش روی اصلاح طلبان قرار دارد. آزموده را آزمودن خطاست. اصلاح طلبان باید بدانند اکنون جامعه به شدت نیازمند امکانات رفاهی است. وعده‌های دولت نهم متاسفانه تاکنون محقق نشده و چه بسا در پاره‌ای موارد از جمله تورم و مسکن، ناکامی دولت نهم بسیار محسوس است. مشکلات و معضلات اقتصادی، چالش‌های اجتماعی و تنش‌های بین المللی آرامش را مدتی است از روح و روان جامعه ایرانی دور نموده است. در چنین شرایطی شعارهای سیاسی چندان نمی‌تواند کارآمد باشد. اگرچه فضای جامعه به شدت سیاسی شده است، ولی نیاز مردم در شرایط فعلی غالبا اقتصادی است.

۳-اصلاح طلبان در شرایط کنونی باید برنامه‌های خود را به طور شفاف با مردم در میان بگذارند و مشخص سازند که برای اداره کشور چه برنامه‌ای را تدارک دیده‌اند و اولویت‌های کاری آنها چیست؟ بدون شک در اینجا باید از کلی گویی و شعارهای بی محتوا که در سالیان گذشته رونق بسیار داشته، پرهیز نمایند و عملا به مردم بگویند می‌خواهند چکار کنند. البته ارتباط با مردم به صورت ارتباط نزدیک و ملموس و استفاده از الگوهای رایج مردمداری و مردمسالاری خاصه الگوها مورد استفاده حزب اسلام گرای ترکیه می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. درد مردم را با رفتن به میان مردم می‌توان تشخیص داد و نسخه مناسب درمان آن را پیچید. ۴-احزاب در یکصد سال گذشته و به طور کلی تحزب در کشور ما از سابقه چندان مطلوبی برخوردار نیست که البته با همین بهانه امروز احزاب به عنوان مکانیسم‌های باجگیری و عناصر نامطلوب توسط مخالفان آنها معرفی شده و سرکوب می‌شوند و چون اصلاح طلبان به ضرورت وجود حزب در جامعه به خوبی واقف بوده و نیاز جامعه به آن را درک نموده‌اند، بایستی از روش‌های گذشته بازی فصلی احزاب با مردم درس عبرت گرفته و به شکلی واقعی کار حزبی را در جامعه نهادینه کرده و مردم را بیش از پیش با مزایای حزب و کارکرد آن آشنا نمود. امروزه اصلاح طلبان باید همه تمناها و خواسته‌های فردی و گروهی را به نفع منافع ملی کنار گذارند و با توجه به شرایط کشور بحث اساسی اصلاح طلبان باید نجات کشور از بحران‌های آفریده شده باشد. سلایق شخصی و گروهی منافع باندی و جناحی نباید مانع اجماع اصلاح طلبان در شرایط فعلی شود. اصلاح طلبان سرمایه‌های بزرگی همچون مردم دلیر و شجاع ایران و پس از آن چهره‌های شاخص موجه و معقولی مانند خاتمی، کروبی، هاشمی، میرحسین موسوی و امثالهم دارند. اصلاح طلبان باید حول چنین شخصیت‌های بزرگ اصلاحات و زجرکشیدگان نظام و یاران امام (ره) برنامه‌های اصلاحی خود را سامان دهند و از هرگونه تنش و درگیری که منجر به تضعیف آنها شود، خودداری نمایند. تاریخ و آیندگان در مورد ما و عملکردمان به قضاوت خواهند نشست از اکنون به فکر پاسخی درخور و شایسته به تاریخ و آیندگان باشیم.